

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

تیمور شاه تیموری

۲۲ مارچ ۲۰۱۵

آیا پولیس وظیفه حفاظت جان اهالی را دارد ؟

در حدود یک قرن قبل از امروز در کتاب قرائت فارسی صنوف ابتدائیه مکاتب پند نامه ذیل درج و به اطفال درس داده می شد :

پسر شوخ چشم خلق آزار سنگ می زد به کوچه و بازار
هر طرف سنگ میزد و میگشت سر بیچاره رهروی بشکست
چون گرفتش پولیس قومندان که کشانش برد سوی زندان
رفتش از دل ز بیم طاقت و هوش گریه می کرد طفل بازیگوش
که برای خدا خطا کردم گر چنین کار ناسزا کردم
سوی من التفات خاص کنید زین بلای بدم خلاص کنید
گریه زار او چو بشنفتند مردم دور و پیش او گفتند
گر نصیحت گهی تو بشنیدی اینچنین روز بد نمی دیدی

ازین پند نامه چنین استنباط می شود که در آن زمان پولیس وظیفه داشت از جان مردم حفاظت کند و لو متجاوز یک طفل خورد سال هم بوده باشد. اما در روز چهارشنبه ۲۸ حوت در زیارت شاه دوشمشیره در مرکز شهر کابل در پایتخت جمهوری اسلامی حکومت وحدت ملی افغانستان واقعه ای اتفاق افتاد که صرف در جنگلهای افریقا نظیر آن دیده شده خواهد توانست .

قضیه تاجانیکه در اخبار و فیس بک ها شنیده و خوانده می شود در همان روز چنین بوده است :

خانم جوانی به نام فرخنده که هر روز چهارشنبه به زیارت شاه دوشمشیره (کسی که بادوشمشیره پدر کلانهای ما را به قتل رسانیده) می رفت. این خانم مانند اکثر خانم ها و اهالی شهر کابل به سترس و تشوشات روحی مبتلا بوده و برای تسکین آلام و تقویه معنوی و روحی خود این کار را می کرده اما از نظر ملای شاه دوشمشیره ماکیانی بوده که از چشم یک روباه دیده می شد. هرگاه واضحتر گفته شود ملا صاحب او را برای دفع شهوت سوزان خود نسخه خوبتر و بهتری انتخاب کرده بود تا این که در تاریخی که ذکر شد برایش فرصت مناسب دست داده و بالای خانم به قصد تجاوز جنسی حمله می نماید. خانم که به جز فرار راه خلاصی دیگر ندارد، تعویذ هائی را که ملا به قصد فریب برایش داده بود، رها کرده و پا به فرار می گذارد. ملا که متوجه عاقبت و خیم بدنامی خود ازین حادثه می شود و میداند که اگر خانم رازش را افشا کند برایش آبرو و حیثیتی که ندارد باقی نمی ماند. صدا بر می دارد که این خانم قرآن را در داده است و همان تعویذهای به جای مانده را آتش می زند. ازینجاست که حامیان دین و قرآن که بدون شک دشمنان قسم خورده مردم افغانستان نیز

دربین شان بوده، رول خود را ایفاء می کنند . مردان جوان باچوب وکارد و سنگ به آن خانم بیچاره بدبخت حمله می کنند و او را از بالا به پائین می اندازند و هر کدام سعی می کند که به این ثواب کبرا و عظمی سهم بیشتر بگیرد . یکی با کارد به سینه اش حمله می کند و دیگری با سنگ سرش را سوراخ می کند و سومی با چوب پایش را می شکند . معلوم نیست که این شهید مظلوم با کدام آهنگ و چه مضمون به کدام مقام استغاثه و تضرع می کند و کمک می طلبد اما هیچ کس به دانش نمی رسد تا صدایش خاموش می شود . بعد از این که قناعت ضاربین حاصل و از اعمال خود راضی می شوند جسد شریف و مبارک او را طعمه آتش می کنند و آنچه باقیمانده به دریای خشک و بدون آب کابل می اندازند .

از این نوع عمل پلید و وحشیانه هرگاه به گفته ملاها عرش و فرشی وجود داشته باشد به لرزه می افتد و ملائک آسمان به فرزندان زمین نفرین می فرستند . اما موظفین و مسئولین نظم عامه مملکت ، مملکت جمهوری اسلامی و بنیان گذار اتحادملی و مسئولین حفاظت و صیانت همه افراد مملکت چه کردند و کدام وظیفه ای را که همیشه به آن شعار می دهند انجام دادند ؟ هیچ ! همه مردم و پولیس حفاظت عامه تماشاگر بودند و پیکر بیجان آن کشته ظلم و ستم در آتش بیداد می سوخت . نه پولیس که مسؤولیت درجه اول را به عهده دارد وظیفه خود را انجام داد و نه دیگران به او رحمی کردند . در این میان صرف عمل خبرنگاری که این صحنه تراژیدی هولناک را فیلمبرداری کرده قابل تمجید است .

نکته مهم دیگری که قابل یاد آوری است این است که تمام اهالی مملکت فرد، فرد شان خواه نماز خوان باشند یا نباشند . خواه دزد و قمارباز باشند . خواه قاتل وزانی و چهارعیب شرعی باشند به خود و اعمال خود نظر نمی اندازند و در تمام مسائل به صفت یک آگاه و عامل دین دیگران را طرف سؤال و باز پرس قرار می دهند که مراجع مسؤول و معتبر راه خود را گم کرده اند . و در این حادثه این گفته به کلی صدق می کند . آیا قاتلین فرخنده در قتل او چه صلاحیت و مسؤولیتی داشته اند ؟ هرگاه صلاحیتی داشته اند از کدام مرجع بوده است ؟

این واقعه مصیبت بار و دلخراش در طول سال نو شمسی در تمام خانه ها و خانواده های مملکت و تمام اهالی برون مرزی انتشار یافته و مردمان به حال فرخنده و اطفالش که گفته می شود اطفال صغیر چندی از او به جای مانده است اشک ریختند تصور این که اطفال صغیر از مرگ مادر خود به این وحشت باخبر شوند چه حالی خواهند داشت و این که بزرگ شوند در مقابل اجتماع چه برداشتی خواهند داشت، مشکل است . هردو زمامدار مملکت ع و غ در دستگیری و مجازات قاتلین به مردم تعهداتی سپردند دیده شود که نتیجه چه خواهد بود ؟ هرگاه مانند سائر تعهدات شان نتیجه صفر باشد مردم مجبور اند خودشان به انتقام شخصی متوسل شوند .